

تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۲۵

«آموزه نیت در متون تعلیمی عرفانی»

مهین پناهی^۱

لیلا آقایی چاوشی^۲

چکیده:

«نیت» مقصود درونی از انجام عمل است. نیت از مفاهیمی است که در سنجش اعتبار و ارزش اعمال، بسیار اهمیت دارد و در قرآن و احادیث بدان اشاره شده و میزان سنجش اعتبار و ارزش اعمال به شمار رفته است. با توجه به اهمیت نقش نیت در انجام اعمال و اهمیتی که در متون دینی برای آن مقرر است، عارفان، فیلسوفان و اندیشمندان الهی نیز در آموزه‌های خویش بدان پرداخته‌اند. این نوشتار درصدد بررسی مفهوم نیت و جایگاه آن در متون عرفانی و از منظر عارفان طریق حقیقت است. به این منظور، با توجه به دیدگاه عارفان و ذکر شواهدی از متون عرفانی، به تبیین مفهوم نیت و نسبت نیت با عمل و نقش آن در اعتبار فعل پرداخته شده است. شواهد، نشان‌گر جایگاه بلندی است که نیت در آموزه‌های عرفانی دارد. نیت نه تنها از ارکان مهم تحقق فعل است بلکه ارزش عمل در گرو خلوص و راستی نیت است.

کلید واژه‌ها:

نیت، متون عرفانی، عمل، اخلاص.

۱- دانشیار دانشگاه الزهرا.

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا / L.chavoshi@alzahra.ac.ir

پیشگفتار

از عواملی که در سنجش یک عمل همواره مورد نظر و اهمیت است، قصد و انگیزه عامل، از انجام آن است؛ آنچه از آن با عنوان «نیت» یاد می‌شود. نیت و انگیزه عمل همواره از منظر دین، عرفان، اخلاق و فلسفه و روان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته است.

در عرفان و آموزه‌های اسلامی، این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که محک سنجش اعمال خوانده شده است. علاوه بر اهمیت و توجه به این موضوع، برای برخورداری از نتایج اعمال و اجتناب از عواقبی که ناراستی نیت در حیات معنوی انسان بر جای می‌گذارد، رهنمودهای بسیاری نیز در راه اصلاح نیت و خالص ساختن آن در راه رضای پروردگار، از ائمه (س)، عارفان و فیلسوفان اسلامی بر جای مانده است. یکی از عواملی که در کمال انسان و پیمودن جاده معرفت الهی، نقش برجسته‌ای دارد، برخورداری از صدق نیت و منظور نظر قراردادن رضای پروردگار در همه اعمال است. در این پژوهش، مفهوم نیت از دیدگاه عارفان بنام بررسی شده و تأملات باریک‌بینانه این بزرگان در این باره جستجو شده است.

«نیت» در لغت به معنی اراده، عزم، قصد و آهنگ است و آنچه از قصد که به دل گیرند. (دهخدا، ۱۳۷۲: «نیت») چنانکه پیدا استمی‌توان این معنا را در دو دسته جداگانه جای داد؛ نیت به معنای استوار کردن اراده برای انجام کاری، و نیت به معنای مقصود درونی از انجام یک فعل. در معنای نخست، برای مثال می‌گوییم فلان کس نیت کرده استامسال سفر نکند. اما آنگاه که می‌گوییم، فردی به نیت قرب الی‌الله، عهده دار مخارج ساخت تعدادی مدرسه در مناطق محروم شده است، مقصود درونی از انجام فعل مطرح است؛ همان تعبیر از نیت که در این نوشتار مد نظر ما است. چنانکه در *لسان‌العرب* در تعریف نیت آمده است: «الوجه الذی یدهبُ فیهِ... وَ النیَّةُ وَ النوی: الوجه الذی تُریدهُ وَ تنویه». (ابن منظور، ۱۴۰۸: ص ۳۴۷) در کتاب *العین* نیز در باره معنی نیت آمده است: «ما ینوی الانسانُ بقلبه من خیر او شرِّ وَ النوی وَ النیَّةُ واحدٌ وَ

هی: النیة، مخففةً و معناه القصد». (خلیل بن احمد، ۱۳۷۲: ص ۳۹۴)

سبب و انگیزه‌ای درونی که باعث انجام فعلی می‌گردد — یعنی همان نیت — در میزان ارزشمند بودن و درستی فعل، بسیار مؤثر و مهم است و در آیات و روایت بسیاری به اهمیت نیتدر انجام فعل و تقدم آن بر خود فعل، تأکید شده است. در کتب عرفانی، اخلاقی و حکمی نیز سخنان دقیق و بلندی در معنای نیت، رابطه نیت و عمل، درجه‌بندی اعمال بر اساس نیت، اختلاف نیت انسان‌ها با توجه به درجه کمال و رشد معنوی آنان سخن به میان آمده است.

نیت در قرآن

در قرآن کریم به آیات متعددی بر می‌خوریم که در آن به صورت‌های گوناگون، از انگیزه انجام اعمال و برتری برخی از آنها بر برخی دیگر، بیان برترین نیت و دوری جستن از نیت ناصواب، به صراحت سخن به میان آمده است. برای مثال در آیاتی در ستایش بندگانی که در همه اعمال خویش، تنها به خشنودی پروردگار نظر دارند، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد: ۲۲) (و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می‌زدایند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی).

در آیه‌ای دیگر ضمن آنکه به همراهی با کسانی که نیت خود را تنها خشنودی خداوند، فرامی‌خواند، از پیروی آنان که غافل از یاد پروردگار و در پی مقاصد نفسانی‌اند، بر حذر می‌دارد و می‌فرماید:

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف: ۲۸) (با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر زیاده‌روی است، اطاعت مکن).

از منظر قرآن، راه نجات و رستگاری، طلب خشنودی خداوند و انجام هر عملی به این منظور است، چنانکه خداوند متعال در این باره فرموده است: «فَأْتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ

وَإِنَّ السَّبِيلَ ذَلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (روم: ۳۸) (پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه‌مانده را بده. این انفاق برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند).

در این آیات و در آیات دیگری از این دست، ضمن طرح مسئله نیت، متعالی‌ترین نیت، جلب رضای پروردگار، خوانده شده است و بندگان مقرب را دارای این صفت برشمرده است. علاوه بر آیات قرآن، در احادیث و روایت‌ها نیز به کرات در اهمیت نیت و توجه به آن سخن رفته است و تعالیم ارزشمند بسیاری در بیان نقش نیت در پیمودن راه کمال و دعوت به تزکیه اعمال از مقاصد و نیت‌های غیر الهی و عواقب آن برجای مانده است.

نیت در احادیث و روایات

انبیاء و امامان معصوم، همواره در پی هدایت انسان‌ها بوده‌اند و کوشیده‌اند بندگان را به سعادت و رستگاری رهنمون شوند و از آنچه مانع برخورداری وی از کمال مطلوب او بوده است، بر حذر داشته‌اند. بخشی از تعالیم و سخنان این بزرگان، به بیان ویژگی اعمال و کردار انسان‌ها آن‌سان که شایسته جایگاه مقام خلیفه‌اللهی اوست، پرداخته‌اند. یکی از مواردی که همواره از سوی پیامبر (ص) و ائمه (س) مورد توجه و تذکر بوده است، مسئله نیت و جایگاه محوری آن در سنجش ارزش اعمال و نقش آن در سعادت یا شقاوت انسان بوده است. یکی از مشهورترین احادیثی که در این زمینه نقل شده است، حدیثی است از پیامبر (ص) که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِيءٍ مَّا نَوَى ، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ، وَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ لِدُنْيَا يُصِيبُهَا ، أَوْ امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا ، فَهِيَ هِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَا جَرَّ إِلَيْهِ» (طوسی، ۱۳۶۵: ص ۸۴)؛ «همانا اعمال، به نیت وابسته است، برای انسان همان است که نیت کرده است. هر کس برای خدا و رسول هجرت کرده است، هجرتش به سوی خدا و رسول است و هر کس از برای زنی که با او ازدواج کند و یا برای ثروتی که به دست آورد، هجرت کرده است هجرتش به سوی همان خواهد بود».

ائمه (ع) نیز در باره نیت و آثار فراگیر دنیوی و اخروی آن توصیه‌های بسیاری فرموده‌اند و انسان‌ها را به اصلاح نیت خویش و دوری جستن از مقاصد دنیوی فرا خوانده‌اند، همچنان‌که درجه کمال انسان‌ها را بر حسب کمال نیتشان متفاوت برشمرده‌اند. امیر المؤمنین علی (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «إِنْقَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ، وَ إِنْقَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ

عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ إِنْقَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ، وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹:ص ۶۳)؛ «همانا عده‌ای خداوند متعال را به جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می‌کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود و عده‌ای دیگر از روی ترس، خداوند را عبادت و ستایش می‌کنند که همانند عبادت و اطاعتنکر از ارباب باشد، و طائفه‌ای هم به عنوان شکر و سپاس، از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می‌نمایند و این، عبادت آزادگان است که بهترین عبادت می‌باشد».

سخنانی از این دست در آموزه‌های گرانبار بزرگان دین، بسیار است و همگی از اهمیت نیت در انجام اعمال و لزوم توجه و تدبر بندگان در آن و تلاش برای اصلاح نیت و خالص گردانیدن آن برای خداوند متعال و دوری گزیدن از مقاصد ناپایدار دنیوی حکایت دارد.

فقیهان نیز با توجه به آیات و روایاتی که در این باره است، بر آن‌اند که افعال و طاعت‌های بندگان باید با انگیزه رضای پروردگار و تقرب به او صورت بگیرد و از نیت نفسانی و دنیوی و از این قبیل عاری باشد تا مورد قبول واقع شود. در فقه امامیه، نیت از ارکان نماز است و عبارت است از قصد انجام عمل (جبعی عاملی، ۱۳۶۵: ۴۲)

علاوه بر موارد یاد شده، نیت از مسائل بسیار مهم در حوزه عرفان است و از اصولی که همواره در طی طریق معرفت و سلوک الی‌الله مد نظر است، توجه به نیت و خالص ساختن می‌باشد.

نیت در آثار عرفانی

یکی از مسائل مهمی که در عرفان و طی سلوک عرفانی، برای نیل به کمال و سعادت جاودان، همواره مورد تأکید عارفان راستین و آشنایان طریق الهی بوده است، اخلاص و یا همان خالص گردانیدن نیت است. خالص ساختن وجود از کدورت‌های نفسانی و تصفیه اعمال از هرگونه ناراستی و پرهیز از نیتی که غیر رضای حق و عشق و بندگی دوست باشد، از الفبای ره سپردن در طریق معرفت است و همین صفا و پاکیزگی وجود از غیر حق و به جای آوردن خالصانه اعمال، سرچشمه جوشش حکمت و معرفت برشمرده شده است. در متون عرفانی، توجه به نیت و شرح ظرایف و آداب آن به صراحت مورد توجه بزرگان و پارسایان بوده است و در این زمینه توصیه‌های اکید نموده‌اند. در سیره عارفان و مشایخ نیز حکایت‌هایی بسیاری است که از اهمیت نیت نزد آنان و ضرورت آراسته شدن به نیت الهی و فارغ شدن از

شوائب نفسانی برای طی طریق حق، حکایت دارد. متون عرفانی و تعالیم عارفان مسلمان و پارسا مشحون از نکاتی در زمینه نیت است و این رهسپردگان مسیر معرفت، از نخستین نکاتی را که به سالکان این طریق توصیه می‌کنند توجه به نیت در همه اعمال و خاص ساختن آن است. در پژوهش پیش‌رو، برخی از این تعالیم در مکتب صوفیانه بررسی می‌شود.

عوامل مؤثر بر انجام فعل

در متون عرفانی در راستای مشخص کردن جایگاه نیت و نقش آن در انجام فعل، ابتدا عواملی که در انجام یک فعل دخیل هستند، ذکر شده است. ابو حامد غزالی (وفات ۵۰۵ هـ.ق) در *احیاء علوم الدین*، به بحث و بررسی نیت و نقش آن در اعمال پرداخته است. با توجه به اهمیتی که این امر در تحقق اعمال دارد، وی در بابی مجزا ذیل کتاب النیه و الاخلاص و الصدق، به تبیین و توضیح نیت پرداخته است. این عوامل عبارتند از دانایی، اراده، و قدرت. (غزالی، ۱۴۱۹: ص ۱۱۲) *عین القضاة* همدانی (وفات ۵۲۵ هـ.ق) نیز سه عامل را در انجام فعل، مؤثر دانسته است؛ قدرت، اراده و علم. (عین القضاة، ۱۳۷۷، ص ۲۴) چنانکه *عین القضاة* اشاره کرده است، نیت در این میان، همان اراده است: «ارادت و نیت هر دو یک حکم و معنی دارد». (عین القضاة، ۱۳۷۷: ص ۲۴) ابوبکر محمد کلابادی از حفاظ حدیث و صوفیان قرن چهارم هجری (وفات حدود ۳۸۵) در *التعرف لمذهب اهل التصوف*، از نیت سخن گفته است. جایگاه نیت از منظر وی در آیین ارزش و اهمیتی که برای اخلاص مطرح می‌کند، آشکار می‌گردد. وی ضمن ذکر اقوال بزرگان در این باره، به لزوم پرهیز از مقاصد نفسانی در انجام فعل، توجه به خدا را در هر عملی توصیه کرده است. (کلابادی، ۱۴۱۲: ص ۱۱۶) وی به نقل از شیخ ابی یعقوب سوسی در خالص گردانیدن نیت می‌گوید: «عمل خالص آن است که نه مَلِک آن را بداند تا بنویسد و نه شیطان بداند تا آن را تباه کند و نه نفس بداند تا خودپسندی آورد». (کلابادی، ۱۴۱۲: ص ۱۱۶)

قدرت

از دیگر عواملی که در انجام یک عمل، ضروری است، قدرت است؛ برای مثال برای انجام عمل نوشتن^۱، لازم است قدرت بر این کار وجود داشته باشد. چرا که اراده انجام فعلی، بدون

۱- مثال بر گرفته از نمونه ذکر شده از سوی *عین القضاة* است.

داشتن قدرت انجام آن عمل، راه به جایی نمی‌برد. نکته مهم در این زمینه، تذکری است که عین القضاة در باب مبدأ این قدرت بیان می‌دارد و آن را صفتی می‌خواند که از سوی خداوند افزوده می‌شود: «بدان... که آدمی را خدای تعالی صفتی داده است که آنرا قدرت خوانند و آن صفتی است که نسبت آن برای انجام فعل و ترک آن مساوی است، چرا که در ترک یک فعل نیز قدرت بر ترک لازم است. باید توجه داشت که قدرت، فقط نخستین گام در انجام یک فعل است و به تنهایی در این راه، بسنده نیست. برای تبدیل شدن قدرت به مقدر، اراده لازم است.

اراده

دومین عامل مؤثر در انجام فعل، اراده است. صرف داشتن قدرت بر انجام کار، منجر به بروز فعل نمی‌گردد. چه بسا قدرت انجام فعل در آدمی باشد، اما آن فعل، مقدر نباشد. برای مثال آنکس که قدرت سخن گفتن دارد اما سخن نمی‌گوید و مرجحی او را به سخن یا خاموشی وا می‌دارد. در واقع آنچه قدرت انجام فعل را به مقدر تبدیل می‌کند، انگیزه و اراده‌ای است که در آدمی پدید می‌آید و قدرت بالقوه را به فعلیت می‌رساند. قاضی، ارادت را همان نیت خوانده است (عین القضاة، ۱۳۷۷: صص ۶۴ و ۶۵) اما اراده و انگیزه‌هایی که سبب بروز رفتار و اعمال می‌شوند، متفاوتند و همین تفاوت در نیت است که سبب می‌شود رفتارهای به ظاهر یکسان، نتایج متفاوت به بار می‌آورد.

نسبت نیت با عمل

چنانکه گفتیم نیت از عوامل دخیل در انجام فعل است. با توجه به رهنمودهای صریح عارفان، از میان عواملی که در انجام فعل، ذکر شد - یعنی، قدرت، نیت و علم -، مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقش از آن نیت است. سخن زین الاسلام ابوالقاسم قشیری (وفات ۴۶۵ ه.ق) در رساله قشیریّه در زمینه نیت از نخستین سطور رساله قشیریّه آغاز می‌شود. وی پیران صوفیه را کسانی خوانده است که نیت‌های خود را از بدعت نگه داشته‌اند و اصل نیت‌های خویش را به دلیل‌های آشکار و قوی محکم کرده‌اند. (قشیری، ۱۳۷۹: ص ۱۳) ابوالحسن علی بن عثمان هجویری (وفات حدود ۴۷۰ ه.ق) از مشایخ روزگار خود، در کشف‌المحجوب به بیان آداب و معانی و حقایق طریق معرفت پرداخته است. یکی از نکات مطرح شده در همان آغاز کتاب، مسئله نیت است. وی با ذکر حدیثی از پیامبر (ص) در باب نیت، ضمن آنکه نیت

انجام فعل را برتر از خود فعل شمرده است، در اهمیت نیت می‌گوید: «و نیت را اندر کارها سلطان عظیم است و برهان صادق؛ که بنده به یک نیت از حکمی به حکم دیگر شود، بی از آن که بر ظاهرش هیچ تأثیر پدیدار آید؛ چنانکه یک چندی بی نیت روزه کسی گرسنه باشد، وی را بدان هیچ ثواب نباشد و چون به دل نیت روزه کند از مقربان گردد... پس نیت خیرات اندر ابتدای عمل، گزاردن حق آن باشد». (هجویری، ۱۳۸۴: ص ۶) هرچند نیت یکی از ارکان انجام فعل از منظر غزالی است اما مهم‌ترین رکن است، چرا که وی نیت را عماد عمل خوانده و خیر بودن عمل را در گرو آن دانسته است. (غزالی، ۱۴۱۹: ص ۱۱۲) عزالدین محمود کاشانی (وفات ۷۳۵ ه.ق) در مصباح‌الهدایه و مفتاح‌الکفایه، لزوم توجه به نیت را در انجام فعل در جای جای کتاب متذکر شده است. کاشانی، نیت را جان عمل خوانده و معتقد است چنانچه نیت از شوائب پاک گردد، این حکم بر دیگر اجزای عمل نیز جاری می‌گردد. (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۲۱۲)

در ساحت دنیا، نیت پنهان است و چشم‌ها از درک آن ناتوان اما در جهان دیگر که حقیقت اعمال آشکار می‌گردد و هر کس به راستی آنچه را انجام داده است، می‌یابد، حقیقت اعمال که در گرو نیت آن است، مشخص می‌گردد و از این رو است که: «یحشر الناس یوم القیامه علی نیاتهم. چنانکه مصطفی - صلعم - خبر داده است؛ تو را و انیت تو حشر کنند... آن روز آشکارا گردد که کی مؤمن بود و کی مشرک، اعنی در ملت خلیل صلعم - که بود و که نبود». (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۲۸)

انواع نیت

انگیزه‌ها و مقاصد گوناگونی، زمینه‌ساز انجام یک فعل است؛ برخی اغراض و مقاصد، متعالی و روحانی‌اند و دسته‌ای دیگر چنین نیست. شیخ شهاب‌الدین ابوحفص عمر بن محمد سهروردی (وفات ۶۳۲ ه.ق) در عوارف‌المعارف، دوری از هواهای نفسانی را در استحکام نیت راهگشا خوانده و بر آن است که «محکمی نیت آن باشد که از دواعی هواها نیت را پاک و صافی گرداند و دفع هوی‌ها و شهوت‌ها بکند تا خروج او خالصاً لله تعالی باشد». (سهروردی، ۱۳۸۶: ص ۱۹۶) وی در همین راستا سالک را به صدق و اخلاص فرا خوانده و صدق و اخلاص را دو بال برای سیر و طیران رونده طریق معرفت بر شمرده است. می‌توان در یک دسته‌بندی کلی و با توجه به آنچه صوفیه و اندیشمندان عارف، اشاره

کرده‌اند، انواع نیت را در دو دسته کلی دینی و نیت دنیویبررسی نمود.

نیات دنیوی

نیات دنیوی، نیت‌هایی هستند که حب دنیا در آنها منظور نظر است؛ زمانی که میل به دنیا محرک انجام عمل است، حتی اگر نیتی الهی بر زبان جاری شود، این نیت زبانی، نقشی در تصحیح عمل نخواهد داشت. چنانکه فردی به نیت مال یا زن هجرت کند اما در دل بگوید: «نیت کردم هجرتم در راه خدا و رسولش باشد»^۱، از آنجا که باعث انجام عمل، چیزی غیر از این بوده است، چنین نیتی در شمار نیات دینی نخواهد بود. (عین‌القضات، ۱۳۷۷:ص ۷۰) ابوابراهیم مستملی بخاری (وفات ۴۳۴ه.ق) از عارفان روزگار خویش، در شرحی بر *التعرف کلابادی* با آوردن سخنی از جنید به ضرورت پیراستن نیت از غیر حق اشاره کرده و چنین گفته است که: «هر عملی که بیاری که از آن عمل خدا را خواهی اخلاص است، و اگر از آن عمل جز خدا چیزی طلبی اخلاص نیست. پس تا هر دو کون و هر چه در دو کون است بنده از عمل بر نگیرد، عمل او به اخلاص نگردد. (مستملی بخاری، ۱۳۷۳:ص ۱۲۸۴) شیخ نجم‌الدین رازی (وفات ۶۵۴ه.ق) در *مرصادالعباد* به مسئله نیت نیز توجه نموده است. وی انسان‌ها را به انجام فعل با نیت متعالی فراخوانده و طمع بهشت و بیم دوزخ را نیاتی دون خوانده است. در *مرصادالعباد* در نکوهش عملی که منظوری جز محبت الهی دارد، آمده است: «عبودیت از بهر بهشت و دوزخ مکن چون مزدوران، بلکه بندگی ما از اضطرار عشق کن چون عاشقان...» (نجم‌الدین، ۱۳۵۲: ص ۹۷) نجم‌الدین رازی بارها خلوص نیت را متذکر شده و در توصیه‌های اخلاقی و عرفانی به انجام عمل به قصد قربت توصیه کرده است (نجم‌الدین، ۱۳۵۲، صص ۲۸۵، ۲۹۵). عزیزالدین نسفی (وفات پیش از ۷۰۰ه.ق) در کتاب *الانسان الکامل* خود، توجه سالک را در طی طریق معرفت به نیت‌معطوف داشته است. عزیزالدین حتی سالک را از نیاتی چون طلب علم و یا اخلاق برحذر داشته و بدین نکته تأکید کرده است که نیت سالک در مجاهداتش باید آن باشد که «آدمی» شود. وی نیت راست را زمینه‌ساز جاری شدن علم حضوری در دل برشمرده است. (نسفی، ۱۳۷۹:ص ۱۳۹) از منظر عزالدین کاشانی، پاداش اعمال، وابسته به نیت است و آنکه نیتی غیر از «تقرب به حضرت ربوبیت دارد»، شایستگی مناجات و مکالمه با حق را ندارد و ابتدا لازم است طهارت کند و دل را از هر نیتی غیر حق،

۱- نوبت ان تکون هجرتی لله و لرسوله

پاکیزه سازد، چرا که هر مطلوبی غیر از این در خاطر داشته باشد هر آنچه حاصل می‌کند « عین مکر و استدراج بود و سبب بعد و حماقت و دروغ». (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸)

بنابراین آنچه به راستی فرد را در ارتکاب به عملی، ترغیب می‌کند و به انجام آن وادار می‌سازد، نیت او تلقی می‌شود. بدین ترتیب در انجام عبادت‌ها، اعمال نیک و رفتارهای ستوده نیز چنانچه مقصدی دنیوی و غیر الهی، باعث انجام عمل گردد، چنین نیتی در شمار نیت دینی نخواهد بود.

نیت اخروی

هرچند نیت دینی از شوائب دنیوی پاک و در شمار نیت ممدوح، خیر و پسندیده‌اند اما خود مراتبی دارند که هر کدام، ارزش و جایگاه متفاوتی دارد و اعمال با توجه به این مراتب، از کمال متفاوتی برخوردار می‌گردند. می‌توان این نیت را به دو دسته کلی تقسیم کرد؛ دسته اول، نیاتی که در آن برخورداری از نعمت‌های اخروی چون بهشت، مقصود است. دسته دوم، نیاتی که رضای پروردگار و عشق به او منظور نظر است. آنانکه در پی نعمت‌های اخروی چون بهشتند، «در زمره اهل صلاح» (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۶۴) محشور می‌شوند و از آن نعمت‌ها برخوردار می‌شوند و سعی‌شان مشکور است. اما آشنایان کوی حقیقت، چنین نیتی را در طریق معرفت الهی بر نمی‌تابند، چرا که سالکان حقیقی، به طمع بهشت عبادت نمی‌کنند و جز دوست نطلبند. «خدای تعالی گفت: سارعوا الی مغفرة من ربکم و جنه عرضها السموات و الارض»^۱ طامعان آنجا که فرموده بود دیدند، لیکن بسیاری عاشقان گفتند: کجا رویم؟... بارخدا یا! طالبان تو کجا به بهشت قانع شوند؟» (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۷۶) ابوبراهیم مستملی بخاری نکته باریکی در این باره ذکر کرده و تفاوت مخلص و مخلص را چنین بیان نموده که مخلص کسی است که خود را برای خداوند متعال خالص گردانیده است و مخلص کسی است که خداوند او را برای خویش خالص گردانیده است. (مستملی بخاری، ۱۳۷۳: ص ۱۲۸۵) عزالدین محمود کاشانی آنجا که از آداب خلوت، سخن گفته، نیت و شرایط آن را در مسیر برپاداشتن عمل راستین بر شمرده است و تلخیص نیت را نخستین شرط خلوت خوانده است: «شرط آن است که اول تلخیص نیت کند از شوائب طلب اغراض دنیوی و اغراض اخروی، چه صواب اعمال

۱- اشاره است به آیه « وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ » (آل عمران: ۱۳۳) (و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید).

بر حسب نیات است؛ هر چند نیت که مقصود است از عمل، فاضل‌تر، ثواب آن فاضل‌تر و کامل‌تر. و شک نیست که هیچ مقصود و مقصد از قرب حضرت عزت، افضل و اکمل نبود.» (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸) وی نیت را مقصود عمل بر شمرده و برترین مقصود را «قرب حضرت عزت» خوانده است. از منظر کاشانی، پاداش اعمال، وابسته به نیت است و آنکه نیتی غیر از «تقرب به حضرت ربوبیت دارد»، شایستگی مناجات و مکالمه با حق را ندارد و ابتدا لازم است طهارت کند و دل را از هر نیتی غیر حق، پاکیزه سازد، چرا که هر مطلوبی غیر از این در خاطر داشته باشد هر آنچه حاصل می‌کند «عین مکر و استدراج بود و سبب بعد و حماقت و دروغ». (کاشانی، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸)

از این رو متعالی‌ترین و برترین نیات از آن کسانی است که نه در پی دنیا هستند و نه طلب آخرت دارند، بلکه هر چه می‌کنند تنها به شوق پروردگار و به عشق او است. مخلصانی که «یریدون وجهه» صفت آنان است. چنانکه عین‌القضات این کمال را از آن کسانی می‌داند که معرفت و عشق به جمال و جلال ازلی، جایی برای حب دنیا و آخرت در درون ایشان باقی نگذاشته است. (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۲۶) برخوردار از چنین نیتی، صفت واقعی عارفان و سالکان طریق حق است؛ هر چند همگان قادر به درک این کمال و معرفت نیستند و نیت هر کس فراخور علم او است و از آنجا که علم افراد متفاوت است، مراتب کمال و صدق نیت ایشان نیز مختلف است.

علم

از عوامل مؤثر در انجام فعل، آگاهی است. انسان تا زمانی که نسبت به امری شناخت نداشته باشد، اقدامی در راستای آن انجام نمی‌دهد. اراده و نیت، بر آمده از علم است و «مرجح ارادت فعل یا ارادت ترک، علم‌یاست که در تو بادید می‌آید که این فعل به از ترک است یا این ترک به از فعل است. و چون علمی قاطع یا ظنی غالب وادید آید که نوشتن به از نانوشتن است، لابد بود که ارادت نوشتن، وادید آید». (عین‌القضات، نامه‌ها، ج ۱، ص ۱۱) چنانکه علم به اینکه فلان طعام، لذیذ است و ادراک لذت بهتر از عدم درک آن است، سبب پدید آمدن اراده خوردن آن طعام در فرد می‌شود و آن طعام را می‌خورد اما چندی بعد سلامت خود را از دست می‌دهد و اگر به این امر علم داشت، اراده خوردن در او پدید نمی‌آمد چرا که «در علم او این بود که طعام لذیذ است، و آن نبود که مضر است؛ و لذت این طعام در حال می‌داند، اما

مضرتش در مال بخواهد دانست، پس ارادت طعامی مضر و تناول آن هم از ظنی فاسد است که در او پدید آید؛ ولیکن او آن ظن را علم می‌دانست، و اگر دانستی که در عاقبت مضر بود، ارادت تناول آن طعام در وی نبود...» (عین‌القضات، ۱۳۷۷:ص ۳۲) حال انسان‌ها نیز هنگام ارتکاب به عملی که آگاهی کاملی بدان ندارند، چنین است؛ علم ناقصی در ایشان پدید می‌آید و به واسطه آن، میل بر خوردن از انواع لذایذ دنیوی و امور نفسانی در ایشان ایجاد می‌شود. اما اگر علم بر عاقبت امور بیابند، ارادت ایشان بر چنین افعالی تعلق نخواهد گرفت. بنابراین تعلق گرفتن نیات آدمی به امور سوء، برخاسته از جهل او است، همان‌طور که از بسیاری از نیکی‌ها نیز به سبب همین ناآگاهی و عدم تشخیص نیکو بودن آن، محروم خواهد ماند. علت این ناآگاهی و در پی آن ارتکاب به گناه و گرفتار شدن در عواقب سوء آن، بی‌ایمانی است. قشیری آنجا که از مجاهده سخن گفته، به نقل از ذوالنون یکی از عوامل در آمدن فساد را در خلق، ضعیفی نیت در کار آخرت، برشمرده است. (قشیری، ۱۳۷۴: ص ۱۸۲) وی به نقل از ابن عطا، راستی نیت را تقوای باطنی خوانده است: «تقوی، ظاهر و باطنی دارد، تقوای ظاهری، پاسداشت حدود است و تقوای باطنی، نیت و اخلاص». (قشیری، ۱۳۷۴: ص ۱۹۰) در این باره، شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، دوری از هواهای نفسانی را در استحکام نیت راهگشا خوانده و بر آن است که «محکمی نیت آن باشد که از دواعی هواها نیت را پاک و صافی گرداند. و دفع هوی‌ها و شهوت‌ها بکند. تا خروج او خالصاً لله تعالی باشد». (سهروردی، ۱۳۸۶:ص ۱۹۶)

چنانکه گفته شد، نیت انسان‌ها و درجه کمال آن، فراخور علم آنان است. علم نیز حاصل معرفت و مجاهده با نفس و نوری است که خداوند بر دل‌های مستعد می‌تاباند^۱. چنین است که نیت انبیاء و اولیاء، نیت محبان، نیت خائفان، و نیت آنانکه ارادت دنیوی دارند، متفاوت است و هر چه معرفت و عشق به پروردگار، بیشتر در وجود آدمی جای گیرد، ارادت‌ها و نیت غیر الهی در او کم‌رنگ‌تر می‌گردد و نیت او اصلاح می‌گردد. محبت و معرفت خداوند در منتهیان تا بدانجا می‌رسد که سراسر وجود آنان را عشق به محبوب الهی فرا می‌گیرد و چنان از ما سوی الله فارغ می‌گردند که «پای دنیا و آخرت در نیاورند، چون قصد حضرت کردند، با ایشان گفتند، انتم اولیائی حقا». (عین‌القضات، ۱۳۷۷:ص ۲۵) کسانی که به قول نجم رازی از

۱- پیامبر(ص) فرمودند: «العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء»؛ علم، نوری است که خدا آن را در دل هر کس که بخواهد می‌افکند. (مصباح‌الشریعه، ص ۱۷)

اضطراب عشق چون عاشقان بندگی پروردگار متعال را به جا می‌آورند و در همه اعمال، منظوری جز محبت الهی نداند. (نجم‌الدین، ۱۳۵۲: ص ۹۷)

ضرورت دوری گزیدن از عادت

از دیگر نکاتی که در آموزه‌های عرفانی در باب نیت و اصلاح آن، مورد توجه قرار داده است، توجه به عمل و لزوم دوری گزیدن از ابتلای به عادت در انجام اعمال است. از این منظر، عمل و طاعتی که از سر عادت و بدون توجه و نیت انجام گیرد، نکوهش شده است. ابوالحسن هجویری، نیت را قرین عمل دانسته و بر آن است که حتی اگر در عمل، خللی وارد شود، چنانچه نیت صحیح باشد، بنده معذور است. (هجویری، ۱۳۸۴: ص ۵) عین‌القضات در این باره می‌گوید: «چون اعمال از راه عادت بود نه بفرمان صاحب‌دل، آنرا هیچ ثمره نبود جز زیادت نفاق و ریا و شرک و عجب و دیگر صفات مذموم». (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۴۹) شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، این امر را با توجه دادن به نیت به عنوان نقطه شروع عمل مطرح کرده است. از منظر وی نیت، اول عمل است و سالک باید ابتدای کار نیت خود را راست گرداند چرا که اگر در اثنای عمل به دلیل هر مانعی، موفق به انجام عمل نشد، مغبون نخواهد بود. از این رو آنکه «در بدایت اساس طلب او محکم‌تر است در نهایت منزل او تمام‌تر باشد». (سهروردی، ۱۳۸۶: ص ۱۹۶)

از این رو در اندیشه‌های صوفیانه، همواره فرد از انجام عمل از سر عادت، بر حذر داشته شده و به عمل با نیت فرا خوانده شده است؛ زیرا عادت و بی‌توجهی به عمل، نه تنها عمل را بی‌اثر می‌سازد، بلکه موجب خسران و برخوردار نشدن از آثار نیکوی اعمال است. عین‌القضات، فرد را از عمل از روی عادت به عمل با نیت و آن هم نیت دینی فرا می‌خواند و می‌گوید: «ای دوست عمل صالح سبب هدایت است «و ان تطیعوا تهتدوا» اما عادت نه از طاعت بود. چون بفرمان بود کار او کند، و چون عادت بود آن ترا هیچ ثمری ندهد». (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۵۶)

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که پیش‌تر آمد، اهمیت نیت و یا منظوری که در پس انجام یک عمل قرار دارد، در سنجش اعتبار فعل، آشکار گشت. این اهمیت در آموزه‌های اسلامی و عرفانی دو صد چندان است. عارفان و اندیشمندان مسلمان از دیرباز، مباحث عمیق و مهمی را در این باره

مطرح کرده‌اند. صوفیه در آثار خود در تعریف نیت، انواع نیات و بیان شرایط و اسرار نیت، به مطالب مهمی اشاره کرده‌اند. از منظر ایشان، عوامل مؤثر در انجام یک فعل را می‌توان قدرت، نیت، و علم بر شمارد؛ قدرت، خادم نیت است و تا زمانی که میل و انگیزه‌ای انسان را به انجام فعلی وا ندارد، قدرت انجام فعل به مقدر، تبدیل نمی‌شود. از طرفی، نقش نیت در اعمال به قدری سرنوشت‌ساز است که سنجش اعمال و ارزیابی آن در گرو نیت است. ابوحامد غزالی در اهمیت جایگاه نیت و حقیقت نیت می‌گوید: «... نیت روح عمل است و عمل بی نیت صادق، ریا و تکلیف است، و این سبب مقت است نه سبب قرب و... نیت آن نیست که گویند به دل گوید که نیت کردم، بلکه انبعاث دل است که به منزلت فتوح باشد از باری تعالی...» (غزالی، ۱۳۷۷: ص ۶۵۴)

می‌توان نیات را در دو دسته کلی دینی و دنیوی طبقه‌بندی کرد؛ غایت نیات دنیوی، حب دنیا و غایت نیات دینی، پاداش اخروی و حب الهی است. اما برترین نیات از دیدگاه عارفان از آن وارستگی است که نه شوق دنیا به سر دارند و نه حب بهشت و نعمات اخروی، بلکه تنها در طلب پروردگار و خشنودی اویند و از هر چه جز او فارغند. اما آنچه سبب تفاوت نیات است، علم است چرا که تا آدمی در باب مسئله‌ای علم نداشته باشد، رغبتی به انجام یا ترک آن ندارد. بیشتر انسان‌ها به واسطه دور ماندن از تقوی و نداشتن ایمان راستین از نور علمی که پروردگار بر دلها می‌تاباند، محرومند و به واسطه همین جهل، دچار شقاوت می‌گردند و از دستیابی به علمی که معرفت حق و شوق او را در آنان ایجاد کند، دور می‌مانند. در این زمینه، سالک به طلب علم اخلاص فراخوانده شده است. چنانکه عین‌القضات می‌گوید: «چون عمل با شرک باطل است... چرا علم اخلاص طلب نکنی تا اعمال تو مقبول و مبرور بود؟ آخر طلب دنیا فرض است و طلب علم نه؟ هیئات! طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ. آن علم اخلاص است که... بی آن درست نیاید» (عین‌القضات، ۱۳۷۷: ص ۲۸۷) اما انبیاء و اولیای خدا که ایمانی راستین و باوری استوار دارند، ارادت همه نیکی‌ها و طاعات را با خود دارند و حقیقت ایمان، آنان را از ارادتی ما سوی الله دور می‌سازد.

نکته دیگر در تعالیم صوفیه توجه به نیت و دوری گزیدن از عادت است. عارفان، فرد را از انجام عمل از سر عادت بر حذر می‌دارند و به عمل با نیت فرا می‌خوانند، چرا که عادت و بی‌توجهی به عمل نه تنها آن را بی‌اثر می‌سازد، بلکه موجب خسران و برخوردان نشدن از آثار نیکوی اعمال است.

بنابراین نه تنها در نماز که در همه اعمال و عبادت‌ها، مؤمن راستین اشتیاق و ارادتی درونی به انجام عمل برای تقرب به پروردگار دارد و آنچه در این میان مقبول است همین برانگیختگی درونی در راه بندگی است و نه لفظی که از سر عادت یا بی‌توجهی و یا بدون بهره‌مندی از انگیزه درونی بر زبان جاری می‌شود. از دیگر سو، چنانچه اعمال به مقاصد و نیات ناصواب و غیر الهی انجام گیرد و انگیزه‌های نفسانی و دون، زمینه‌ساز و سبب واقعی انجام آن باشد، نه تنها کمالی در پی ندارد بلکه موجب زیان و پشیمانی است. باخرزی در *اوراد الاحباب* نیز ضمن بی‌ثمر خواندن عبادت و علم بدون قصد قربت، درباره اهمیت توجه به خدا در اعمال آمده است: «... جمله عبادت و علم ترا که موجب قربت است به خدای، اگر نیت قلب به آن مقرون نبود عمل جوارح را هیچ قدر و قربت نباشد، «فانما الاعمال بالنیات». و اصل نیت نظر تست به خدای به خوف، یا به رجا». (باخرزی، ۱۳۸۵: ص ۲۲۴)

در این میان، برترین نیات، مقصور داشتن همت برای قرب الی‌الله است. از این رو انسان‌ها باید بکوشند با تقویت ایمان خویش، به چنان معرفتی دست یابند که نیتی جز قرب پروردگار با آنان نباشد.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم. ترجمه: محمد مهدی فولادوند، قم: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی (۱۳۸۱).
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۸ ه.ق). *لسان العرب*، جلد ۱۵، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۳- باخرزی، یحیی. *اوراد الاحباب و فصوص الآداب*، به کوشش: ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی. (۱۳۸۵).
- ۴- جبل عاملی، زین الدین، *الروضه البیهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه*، الجزء الاول، قم: مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی. (۱۳۶۵).
- ۵- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت.
- ۶- خلیل بن احمد (۱۳۷۲). *کتاب العین*، جلد هشتم، تهران: اسوه.
- ۷- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲): *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران (قابل دسترسی از لغت نامه آنلاین دهخدا <<http://www.vajehyab.com/dehkhoda>>).
- ۸- سنایی غزنوی، ابوالمجد. *دیوان سنایی غزنوی*، با مقدمه و تصحیح: محمد تقی مدرس رضوی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات سنایی (۱۳۸۸).
- ۹- سهروردی، عمر بن محمد. *عوارف المعارف*، ترجمه: ابومنصور بن عبدالمؤمن اصفهانی، به اهتمام قاسم انصاری، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی (۱۳۸۶).
- ۱۰- شیخ طوسی، (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۱- عین القضاة همدانی، عبدالله. *تمهیدات*. با مقدمه و تصحیح و تحشیه: عقیف عسیران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات منوچهری (۱۳۸۶).
- ۱۲- عین القضاة همدانی، عبدالله. *نامه های عین القضاة همدانی*، جلد ۱ و ۲ و ۳، به اهتمام: علینقی منزوی و عقیف عسیران، چاپ اول، تهران: اساطیر (۱۳۷۷).
- ۱۳- غزالی، ابو حامد محمد. *احیاء علوم دین*، ترجمه: مؤیدالدین خوارزمی، به کوشش: حسین خدیو جم، چاپ دوم، تهران: ۱۳۷۷.
- ۱۴- غزالی، ابو حامد محمد. *احیاء علوم الدین*، حلب: دارالکتب الاسلامی (۱۴۱۹ ه.ق).
- ۱۵- قشیری، ابوالقاسم. *الرساله القشیریة*، تحقیق: عبدالحلیم محمود و محمود بن الشریف،

قم: بیدار (۱۳۷۴ش).

- ۱۶- کاشانی، عزالدین محمود. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، مقدمه، تصحیح و توضیحات: عفت کرباسی و محمد رضا برزگر خالقی، چاپ چهارم. تهران: انتشارات زوار، ۱۳۸۹.
- ۱۷- کلابادی، ابوبکر محمد، التعرف لمذهب اهل التصوف، القاہرہ: المکتبہ الازہریہ للتراث (۱۴۱۲ه.ق).
- ۱۸- کلینی، ثقه الاسلام محمد بن یعقوب. الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه (۱۳۶۵ه.ش).
- ۱۹- محدث نوری، (۱۴۰۸ه.ق). مستدرک الوسائل، ج ۱۱، قم: مؤسسه آل البیت.
- ۲۰- مستملی بخاری، ابوابراہیم، شرح التعرف لمذهب التصوف. با مقدمه و تصحیح: محمد روشن، تهران: انتشارات اساطیر (۱۳۷۳).
- ۲۱- نجم الدین رازی. مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد، به سعی و اهتمام: حسین حسینی نعمت اللہی، چاپخانه مجلس (۱۳۵۲).
- ۲۲- نسفی، عزیزالدین، الانسان الکامل. با تصحیح و مقدمه: ماریژان موله و ترجمه: سید ضیاء الدین دہشیری، تهران: انتشارات طہوری (۱۳۷۹).
- ۲۳- ہجویری، ابوالحسن، علی بن عثمان. کشف المحجوب. مقدمه، تصحیح و تعلیق: محمود عابدی. چاپ دوم. تهران: سروش (۱۳۸۴).

